

# اعلامیه

گردهمایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی

## و بیانیه صلح

۱۹۵۷



\* اعلامیه گردهمایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشور  
های سوسیالیستی منعقد در مسکو و بیانیه صلح ( ۱۹۵۲ )  
\* چاپ اول : اسفندماه ۱۳۵۹  
\* از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ( اکثریت

با پوزش از خوانندگان با توجه به کوششی که صرف تسریع در چاپ این کتاب شده است سفا نه برخی کلمات غلط چاپ شد. لطفاً قبل از مطالعه غلطهای مزبور را تصحیح نمایید.

صفحه	سطر	غلط	درست
۵	۱۰	ارتجاعی	ارتجاع
۵	۲۲	توافق	موافقت
۶	زیرنویس	SIATO	SETO
۱۴	۴	و کمونیستی	و جنبش کمونیستی
۲۰	۲۱	نویین متزلزل	نویین را متزلزل
۲۴	۵	ملت	ملت های
۲۴	۱۷	می کشاند	کشاند
۲۴	۲۰	میلیونها مرد، زن و کودک (زائداست)	آن
۲۵	۳	آنچه	آن
۲۵	۱۹	طبیعت دست	طبیعت دست
۲۵	۱۹	روبه روز	روزبه روز
۲۸	۲۵	تحدید	تهدید
۲۹	۹	آشتی ناپذیرترین	آشتی ناپذیرترین دشمنان
۲۹	۱۸	بین	آن
۲۹	۱۳	دادند	دارند
۳۰	۱۳	نیستند	نیستید
۳۱	۵	قطع	برای قطع
۳۱	۶	مبارزه	برای مبارزه
۳۱	۷	مبازه	مبارزه

اعلامیه  
گردهمایی نمایندگان  
احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی  
منعقد در مسکو (۱۴ تا ۱۶ نوامبر ۱۹۵۷)

نمایندگان حزب کارآلبانی، حزب کمونیست بلغارستان،  
حزب کارگران سوسیالیست مجارستان، حزب زحمتکشان ویتنام،  
حزب وحدت سوسیالیستی آلمان، حزب کمونیست چین، حزب کار  
کره، حزب انقلابی خلق مغولستان، حزب متحد کارگران  
لهستان، حزب کارگران رومانی، حزب کمونیست اتحاد جماهیر  
شوروی و حزب کمونیست چکسلواکی روابط فیما بین، مسایل  
جاری وضعیت بین المللی، و مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم  
را مورد بحث قرار دادند.

این تبادل افکار، بیانگریگانگی نظرات احزاب در مورد  
همه مسایل مطروحه در گردهمایی و اتفاق آرا در ارزیابی  
وضعیت بین المللی بود. در جریان مذاکره، شرکت کنندگان  
در مورد مسایل عام جنبش بین المللی کمونیستی نیز به اختصار  
بحث کردند. شرکت کنندگان در گردهمایی، در تدوین این  
اعلامیه، با نمایندگان احزاب برادر کشورهای سرمایه داری  
مشورت کردند. احزاب برادری که در این گردهمایی حضور  
نداشتند، ملاحظات مصرحه در این اعلامیه را اساساً ارزیابی و  
نسبت به اقدامات لازم در قبال آن تصمیم خواهند گرفت.

است که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه آغاز شد. امروز بیش از یک سوم جمعیت جهان - متجاوز از ۹۵۰ میلیون نفر - راه سوسیالیسم را در پیش گرفته اند و یک زندگی نوین را می سازند. رشد شگرف نیروهای سوسیالیسم، گسترش سریع جنبشهای ملی ضد امپریالیستی را در دوران پس از جنگ دامن زده است. طی دوازده سال گذشته؛ علاوه بر جمهوری خلق چین، جمهوری دموکراتیک ویتنام و جمهوری دموکراتیک خلق کره؛ بیش از هفتصد میلیون نفر از زیر یوغ استعمار خلاصی یافته، موفق به برقراری دولت های مستقل ملی شده اند. خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته که هنوز در رنج اسارت بسر می برند، در حال تشدید مبارزه جهت رهایی ملی اند. پیشروی سوسیالیسم و جنبش رهایی بخش ملی، تلاشی امپریالیسم را شتابی عظیم بخشیده است. امپریالیسم سلطهء پیشین خود را بر بخش اعظم مردم جهان از دست داده است. جوامع کشورهای امپریالیستی، به علت تضادهای ژرف طبقاتی و نیز تضادهای آشتی ناپذیر میان این کشورها، دچار شکاف شده؛ حال آنکه طبقهء کارگر دست به مقاومت نژادینده ای در برابر سیاست امپریالیسم و انحصارات می زند و برای زندگی بهتر، حقوق دموکراتیک، برای صلح و سوسیالیسم می جنگد.

در عصر ما، تکامل جهان، توسط جریان و نتایج رقابت بین دو نظام اجتماعی کا ملا "متخاصم تعیین می گردد. در چهل سال گذشته، سوسیالیسم ثابت کرده است که، بعنوان یک نظام اجتماعی، بسیار برتر از سرمایه داری است. سوسیالیسم تکامل نیروهای مولد را با آهنگی که برای سرمایه داری بی سابقه و غیر ممکن است، تضمین و ارتقاء مداوم سطوح مادی و فرهنگی (زندگی) زحمتکشان را، تامین کرده است. گام های بلندی که اتحاد شوروی در زمینهء اقتصاد، علم و تکنولوژی برداشته است



ودستا وردهای دیگر کشورهای سوسیالیستی در ساختمان سوسیالیسم دلیل قاطعی بر نیروی حیاتی عظیم سوسیالیسم است. در کشورهای سوسیالیستی، زحمتکشان از آزادی راستین و حقوق دموکراتیک برخوردارند؛ قدرت خلقی، وحدت سیاسی توده‌ها، برابری و دوستی بین ملت‌ها، سیاست خارجی مبتنی بر حفظ صلح جهانی و ارائه کمک به ملل تحت ستم در مبارزه‌های بخش‌آنان را تضمین می‌کند. نظام سوسیالیستی جهانی که پیوسته رشد می‌کند و نیرومندتر می‌شود، هرچه بیشتر بر وضعیت بین‌المللی بسود صلح، پیشرفت و رفاه‌ی خلق‌ها تاثیر می‌گذارد. در حالی که سوسیالیسم روبه‌اعتلاست، امپریالیسم روبه‌زوال می‌رود. مواضع امپریالیسم، بعلت فروپاشی نظام مستعمراتی، شدیداً "تضعیف شده‌است. کشورهای که یوغ استعمار را بدور افکنده‌اند، به دفاع از حاکمیت خویش برخاسته‌اند و به خاطر استقلال اقتصادی، صلح بین‌المللی، می‌جنگند؛ وجود نظام سوسیالیستی؛ مساعدت ملل سوسیالیست به این کشورها بر مبنای اصول برابری و همکاری بین‌آنان و ملل سوسیالیست در مبارزه با خطر صلح و علیه تجاوز؛ به‌آنان کمک می‌کند تا آزادی ملی خود را حفظ و پیشرفت اجتماعی خویش را تسهیل کنند.

در کشورهای امپریالیستی، تضاد بین نیروهای مولد و روابط تولیدی حادث‌تر گشته‌است. از بسیاری جهات، علم و مهندسی نوین بسود پیشرفت اجتماعی، به نفع همه افراد بشر، بکار گرفته نمی‌شود زیرا سرمایه‌داری تکامل نیروهای مولد جامعه را مانع می‌شود و آن را مسخ می‌کند. اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بی‌ثبات و متزلزل باقی می‌ماند. رونق نسبی فعالیت‌های اقتصادی که هنوز در برخی از کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌شود، تا میزان زیادی متکی بر پایه لرزانی است که توسط مسابقه تسلیحاتی و دیگر عوامل زودگذر بدست آمده است. اما

اقتصاد سرمایه داری ناگزیر است که بارکودها و بحرانهای عمیق جدیدی مواجه شود. رونق موقت بازرگانی، تداوم توهم رفرمیستی در میان بخشی از کارگران کشورهای سرمایه داری را راسبب می‌شود. در دوره پس از جنگ، بخش‌هایی از طبقه کارگر کشورهای پیشرفته تر سرمایه داری، در پیکار علیه استثمار فزاینده و برای دستیابی به سطح بالاتر زندگی، توانسته‌اند تا حدودی سطح دستمزدها را بالا ببرند؛ هرچند در تعدادی از این کشورها، سطح واقعی دستمزدها پایین تر از سطح دستمزد قبل از جنگ است. اما در بخش اعظم دنیای سرمایه داری، بویژه در کشورهای مستعمره و وابسته، میلیون‌ها تن از مردم زحمتکش همچنان در فقر بسر می‌برند. هجوم گستردهٔ انحصارات به بخش کشاورزی، سیاست قیمت گذاری، نظام اعتبارات و وام دهی بانکی که توسط آنها تحمیل می‌شود، و افزایش مالیات ناشی از مسابقهٔ تسلیحاتی، موجب فقر و خانه خرابی مداوم بخش عمدهٔ تودهٔ دهقانی گشته است. تشدید تضادها، نه فقط بین بورژوازی و طبقهٔ کارگر، بلکه همچنین بین بورژوازی انحصاری و همه بخشهای خلق، بین بورژوازی انحصاری ایالات متحده از یک سو و خلقها و حتی بورژوازی دیگر کشورهای سرمایه داری از سوی دیگر، وجود دارد. زحمتکشان کشورهای سرمایه داری در چنان شرایطی بسر می‌برند که هرچه بیشتر آنان را متقاعد می‌سازد که تنها راه‌هایی‌شان از این وضعیت مشقت بار راه سوسیالیسم است. بدین ترتیب، شرایط هرچه مساعدتری برای کشاندن آنان به مبارزهٔ فعال در راه سوسیالیسم، ایجاد می‌شود.

محافل تجار و زگرا مپریالیستی ایالات متحده، با تعقیب سیاست باصطلاح "مواضع قدرت"، در صدد تا غالب کشورهای جهان را به زیر سلطهٔ خود کشند و مانع از پیشروی انسان مطابق

قوانین تکامل اجتماعی گردند. این محافل به بهانه "مبارزه با کمونیسم"، به کشاندن تعداد هرچه بیشتری از کشورها به زیر سلطه خود، به تمهید انهدام آزادی‌های دموکراتیک، به تهدید استقلال ملی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، به سعی در کشاندن خلقهای آزاد شده به دام اشکال جدید استعمار، و بطور منظم، به کارگردانی فعالیتهای براندازانه علیه کشورهای سوسیالیستی مشغولند. سیاست پاره‌ای از گروههای تجا و زگرداریالات متحده آنست که تمامی نیروهای ارتجاعی جهان سرمایه‌داری را به دور خویش گرد آورد. با اتخاذ این سیاست، آنان بصورت مرکز ارتجاعی جهانی و دشمنان سوگند خورده مردم درآمده‌اند. این نیروهای امپریالیستی متجا و ضد خلق، با چنین سیاستی، به استقبال نابودی خود می‌شتابند و گور خویش را می‌کنند.

مادامی که امپریالیسم وجود دارد، همیشه محلی برای جنگهای تجا و زکارانه موجود خواهد بود. در طول سالیان پس از جنگ، همواره امپریالیستهای آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و دیگر امپریالیستها و دست‌نشانندگان نشان جنگی رادرنندوچین، اندونزی، کره، مالایا، کنیا، گواتمالا، مصر، الجزایر، عمان و یمن براه انداخته یادر تدارک آنند. در عین حال، نیروهای متجا و زامپریالیستی، صریحا از کاهش تسلیحات، از منع استفاده و تولید سلاحهای اتمی و هیدروژنی، از توافق با قطع فوری آزمایش اینگونه سلاحها امتناع می‌ورزند؛ به "جنگ سرد" و مسابقه تسلیحاتی ادامه می‌دهند؛ پایگاههای نظامی بیشتری بنا نموده، سیاست تجا و زکارانه فروپاشاندن صلح زادنبال کرده و خطر یک جنگ جدید را ایجاد می‌کنند. اگر، پیش از آنکه توافقی در مورد منع سلاحهای هسته‌ای حاصل آید یک جنگ جهانی درگیرد،



بطور اجتناب ناپذیری به یک جنگ هسته‌ای با قدرت تخریبی  
سابقه تبدیل می‌شود.

میلیتاریسم در آلمان غربی با کمک ایالات متحده در حال  
احیاء است؛ از این رو بستری مناسب برای جنگ در قلب  
اروپا در شرف پیدایش است. مبارزه با میلیتاریسم و  
ریوانجیسم<sup>۱</sup> آلمان غربی که صلح را تهدید می‌کند، وظیفه  
مبرمی است که پیش‌روی نیروهای دوستدار صلح در میان مردم  
آلمان غربی و تمام ملل اروپا قرار دارد. و بویژه، نقش  
بزرگ در این مبارزه، برعهده<sup>۲</sup> جمهوری دموکراتیک آلمان  
- اولین دولت کارگری - دهقانی در تاریخ آلمان؛ که شرکت  
کنندگان در این گرهمایی همبستگی و پشتیبانی کامل خویش  
را از آن اعلام می‌دارند - قرار گرفته است.

همزمان، امپریالیستها برای تحمیل دکترین رسوای  
"آیزنهاور - دالس" به خلقهای آزادیخواه خاورمیانه در  
تلاشند تا بدینوسیله در این منطقه، خطر جنگ را پدید آورند.  
آنان به طرح‌ریزی توطئه‌ها و تحریکات علیه سوریه مستقل  
مشغولند. تحریکات علیه سوریه، مصر و دیگر کشورهای عربی،  
هدف تفرقه و انزوای کشورهای عربی را، به قصد از میان  
بردن آزادی و استقلال آنها، دنبال می‌کند.

بلوک متجاوز "سیتو"<sup>۲</sup> منشاء<sup>۲</sup> خطر جنگ در آسیای جنوب  
شرقی است.

اکنون مسأله جنگ یا همزیستی مسالمت‌آمیز، مسأله  
حیاتی سیاست جهان است. همه ملتها باید نهایت هوشیاری

---

(۱) Revanshism سیاست انتقام‌جویانه برای بازپس

گرفتن موقعیت و منافع از دست رفته م.

(۲) SIATO سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی.

را در قبال خطر جنگ که امپریالیسم ایجاد کرده، بکار بندند. در حال حاضر نیروهای صلح آن چنان رشد کرده اند که امکان واقعی برای جلوگیری از جنگ، همانگونه که نقش بر آب شدن طرحهای امپریالیستی در مصر آن رانه اثبات رسانید، فراهم آمده است. نقشه امپریالیستی در بکار گرفتن نیروهای ضد انقلاب جهت برانداختن نظام دموکراتیک خلق در مجارستان نیز به شکست انجامید.

آرمان صلح، توسط این نیروهای قدرتمند زمان ما پاسداری می شود:

اردوگاه شکست ناپذیر کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی؛ کشورهای آسیایی و آفریقایی دوستدار صلح که موضعی ضد امپریالیستی اتخاذ کرده اند و همراه با کشورهای سوسیالیستی یک منطقه گسترده صلح را تشکیل می دهند؛ طبقه کارگر بین المللی، و در رأس همه، پیشاهنگ آن احزاب کمونیست؛ جنبشهای رهایی بخش خلقهای مستعمرات و نیمه مستعمرات؛ جنبش صلح طلبانه توده ای خلقها، خلقهای کشورهای اروپایی که اعلام بیطرفی کرده اند، خلقهای امریکای لاتین و توده های خودکشورهای امپریالیستی، که قاطعانه در مقابل نقشه های یک جنگ جدید مقاومت می کنند. اتحادی از این نیروهای قدرتمند می تواند از جنگ پیشگیری کند؛ ولی چنانچه امپریالیستهای دیوانه جنگ، طلب بی اعتنا به همه چیز، در برابر فروختن جنگ جسارت ورزند، امپریالیسم خود را محکوم به فنا خواهد کرد. زیرا خلقها، نظامی را که اینهمه رنج و مشقت برایشان می آورد و اینهمه قربانی از آنها می گیرد بیش از این تحمل نخواهند کرد.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در گردهمایی اعلام می کنند که اصل لنینیسم همزیستی مسالمت آمیز و نظام - که

در مصوبات بیستمین کنگره<sup>۶</sup> حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل یافته و با شرایط زمان انطباق یافته است - شالوده‌ای محکم برای سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و ستون قابل اتکایی برای صلح و دوستی بین خلقهاست . اندیشه<sup>۶</sup> همزیستی مسالمت‌آمیز، با پنج اصلی که مشترکا<sup>۶</sup> توسط جمهوری خلق چین و جمهوری هندوستان پیشنهاد شده و نیز با برنامه<sup>۶</sup> پذیرفته شده در کنفرانس آفریقا-آسیای باندونگ ، منطبق است . صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اکنون خواست توده‌های وسیع در همه<sup>۶</sup> کشورهاست .

احزاب کمونیست مبارزه بخاطر صلح را بنمنايه نخستین وظیفه<sup>۶</sup> خویش می‌شمارند . آنها همراه با همه<sup>۶</sup> نیروهای صلح - دوست ، منتهای کوشش خود را جهت پیشگیری از جنگ بعمل می‌آورند .

۲

گردهمایی بر آنست که در موقعیت کنونی تحکیم وحدت و همکاری برادرانه<sup>۶</sup> کشورهای سوسیالیست ، احزاب کمونیست و کارگری کلیه<sup>۶</sup> کشورها ، و همبستگی طبقه<sup>۶</sup> کارگر بین‌المللی ، جنبشهای رهایی بخش ملی و دموکراتیک ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است .

روابط فیما بین کشورهای نظام جهانی سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری ، بر پایه<sup>۶</sup> اصول مارکسیسم - لنینیسم ؛ اصول انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد ، که صحت آن رازندگی به اثبات رسانده است . امروز منافع حیاتی زحمتکشان همه<sup>۶</sup> کشورها ایجاب می‌کند که از شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی ؛ که با تعقیب سیاست حفظ صلح



در سراسر جهان، پشتوانه صلح و پیشرفت اجتماعی اند، پشتیبانی کنند. طبقه کارگر، نیروهای دموکراتیک و زحمتکشان سراسر جهان علاقمندند که بطور خستگی ناپذیر روابط برادرانه خود را با خاطر آلمان مشترکشان تقویت کنند؛ دستاوردهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی حاصله در اتحاد شوروی - اولین و قوی‌ترین قدرت سوسیالیستی - در جمهوری خلق چین و در تمام کشورهای سوسیالیستی را از دست اندازیهای دشمن مصون دارند؛ و شاهد گسترش و تحکیم این دستاوردها باشند.

کشورهای سوسیالیستی روابط فیما بین را بر مبنای اصول برابری کامل، احترام به تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت کشور و عدم دخالت در امور یکدیگر پی می‌ریزند. این اصول، (اصولی) حیاتی‌اند. اما این اصول جوهر روابط میان آنها را به‌تمامی در بر نمی‌گیرد. کمکهای برادرانه متقابل، جزء لاینفک این روابط است. این کمکها بیان آشکار انترناسیونالیسم سوسیالیستی است.

کشورهای سوسیالیستی، همکاری اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را؛ بر اساس تساوی کامل، منافع متقابل و کمک رفیقانه متقابل؛ بین خود برقرار کرده‌اند که در ارتقاء استقلال اقتصادی و سیاسی هر یک از کشورهای سوسیالیست و بطور کلی کشورهای مشترک المنافع سوسیالیستی، سهم بسزایی دارد. کشورهای سوسیالیستی به گسترش و پیشرفت همکاری اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر ادامه خواهند داد.

کشورهای سوسیالیستی همچنین از توسعه همه جانبه مناسبات اقتصادی و فرهنگی با همه کشورهای دیگر، بنا به خواست آنان، بر اساس برابری، منافع متقابل، و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر جانبداری می‌کنند.

همبستگی کشورهای سوسیالیستی علیه هیچ کشور دیگری



نیست. برعکس، در خدمت منافع همه، خلقهای صلحدوست قرار دارد، از تلاشهای تجا و زگرانه، محافل جنگ طلب امپریالیستی جلوگیری می‌کند و نیروهای رشدیابنده، صلح را حمایت و تشویق می‌کند. کشورهای سوسیالیستی مخالف تقسیم جهان به بلوک‌های نظامی‌اند. لیکن بنا به وضعیتی که پدید آمده؛ در برابر قدرتهای غربی که از پذیرش پیشنهادات کشورهای سوسیالیستی مبنی بر لغو متقابل بلوک‌های نظامی امتناع می‌ورزند؛ سازمان پیمان ورشو، که دارای ماهیت دفاعی است و در خدمت امنیت خلقهای اروپا و صلح در سراسر جهان است باید حفظ و تقویت شود.

کشورهای سوسیالیستی با توجه به این واقعیت که مسیر مشترک سوسیالیستی را می‌پیمایند، بموجب جوهر طبقاتی مشترک نظام اجتماعی و اقتصادی و قدرت دولتی، بر طبق نیاز به کمک و پشتیبانی متقابل، بموجب منافع و اهداف مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم، بخاطر پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم، بموجب ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم که در همه آنان مشترک است، در یک جامعه واحد متحد شده‌اند.

همبستگی و اتحاد تنگاتنگ کشورهای سوسیالیستی ضامن معتبر حاکمیت و استقلال ملی هر یک از آنهاست. روابط برادرانه مستحکم تر و دوستی میان کشورهای سوسیالیستی لزوم یک سیاست انترناسیونالیستی مارکسیست - لنینیستی را از جانب احزاب کمونیست و کارگری، لزوم آموزش تمام زحمتکشان با روحیه تلفیق انترناسیونالیسم و میهن پرستی، و لزوم تلاش مصممانه برای غلبه بر بقایای ناسیونالیسم بورژوازی و شووینیسم را ایجاب می‌کند. تمامی مسایل مربوط به روابط میان کشورهای سوسیالیستی می‌تواند، از طریق بحث رفیقانه، با رعایت اکید اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی، کاملاً حل و فصل شود.

پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در دموکراسی‌های خلق، همدلی عمیق طبقه‌ها، کارگرو زحمتکشان همه کشورهای را بدست می‌آورد. اندیشه‌های سوسیالیسم مردم جهان را میلیون، میلیون بسوی خود جلب می‌کند. در این شرایط، بورژوازی امپریالیست برای شکل دادن ایدئولوژیک توده‌ها اهمیت فزاینده‌ای قایل می‌شود، سوسیالیسم را واژگونه جلوه می‌دهد، مارکسیسم - لنینیسم را الوث می‌کند، توده‌ها را گمراه و سردرگم می‌سازد. بنابراین، فاشیست‌آموزش مارکسیست - لنینیستی توده‌ها، پیکار علیه ایدئولوژی بورژوایی، افشای دروغ پردازیها و جعلیات افترا آمیز تبلیغات امپریالیستی علیه جنبش سوسیالیستی و کمونیستی، و نیز تبلیغ وسیع اندیشه‌های سوسیالیسم، صلح و دوستی بین ملت‌ها بنحوی ساده و قانع کننده، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

گردهمایی یگانگی نظرات احزاب کمونیست و کارگری رادار مورد مسایل اساسی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم تایید کرد. تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بطور کامل درستی این حکم مارکسیستی - لنینیستی را به اثبات رساند که تعدادی قوانین بنیادی قابل اجرا در همه کشورهای سوسیالیسم می‌روند، برپروسه‌های انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم حاکم اند. این قوانین همه جا، همراه با ویژگیها و سنت‌های بسیار متنوع ملی تاریخی که می‌باید به تمام معنی به حساب آورده شوند، تجلی می‌یابند.

این قوانین عبارتند از: رهبری توده‌های زحمتکش توسط

طبقه، کارگر، که هسته مرکزی آن حزب مارکسیست - لنینیست است، به منظور تحقق این یا آن شکل از انقلاب پرولتاریایی و برقراری این یا آن شکل از دیکتاتوری پرولتاریا؛ اتحاد طبقه کارگر و توده اصلی دهقانان و دیگر بخشهای زحمتکشان؛ الغاء مالکیت سرمایه داری و برقراری مالکیت عمومی بروسایل اساسی تولید؛ بازسازی تدریجی کشاورزی بشیوه سوسیالیستی؛ رشد برنامه ریزی شده اقتصاد ملی به منظور بنای سوسیالیسم و کمونیسم؛ ارتقا سطح زندگی زحمتکشان؛ انجام انقلاب سوسیالیستی در حوزه ایدئولوژی و فرهنگ و ایجاد گروه وسیعی از روشنفکران وفادار به طبقه کارگر، زحمتکشان و آرمان سوسیالیسم؛ نابودی ستم ملی و برقراری برابری و دوستی برادرانه میان خلقها؛ دفاع از دست آوردهای سوسیالیسم در مقابل حملات دشمنان خارجی و داخلی؛ همبستگی طبقه کارگر هر کشور با طبقه کارگر دیگر کشورها، یعنی انترناسیونالیسم پرولتری.

مارکسیسم - لنینیسم، کاربرد خلاق اصول عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را بنا به شرایط مشخص هر کشور ایجاد می کند، و تقلید مکانیکی از سیاستها و تاکتیکهای احزاب کمونیست دیگر کشورها را مردود می شمارد. لنین مکرراً "به لزوم کاربرد صحیح اصول اساسی کمونیسم، بر طبق خصوصیات ویژه هر ملت و کشور مربوطه به آن تاءکید نموده است. نادیده گرفتن ویژگیهای ملی از جانب حزب پرولتاریایی، بطور اجتناب ناپذیری به جدایی آن (حزب) از واقعیت، از توده های نامی انجامد، و بناگزیر به آرمان سوسیالیسم لطمه می زند و برعکس اغراق در مورد نقش این ویژگیها و یا انحراف از حقیقت جهانشمول مارکسیست - لنینیستی درباره انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم



به بهانه این ویژگیها، به همان میزان برای آرمان سوسیالیسم زیان بخش است. شرکت کنندگان در کردهمایی برآنند که با این هردوگرایش می باید بطور همزمان مبارزه شود. احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی می باید عمیقاً " به اصل تلفیق حقیقت جهانشمول، مارکسیست - لنینستی فوق یا پراتیک ویژه، انقلاب و ساختمان سوسیالیسم در کشورهای خود وفادار بمانند؛ قوانین عام ناظر بر انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی را، منطبق با شرایط مشخص کشورهایشان، بطور خلاق بکار بندند؛ از یکدیگر بیاموزند و در تجربه، همدیگر سهیم باشند. کاربرد خلاق قوانین عام ساختمان سوسیالیسم، که آزموده شده و به محک تجربه خورده است، و تنوع اشکال و روشهای بنای سوسیالیسم در کشورهای مختلف، نمودار خدمت جمعی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم است.

تئوری مارکسیسم - لنینیسم از ماتریالیسم دیالکتیک سرچشمه می گیرد. این جهان بینی با زتاب قانون جهانشمول تکامل طبیعت، جامعه و فکری بشری است. این جهان بینی برای گذشته، حال و آینده معتبر است. متافیزیک و ایده آلیسم رودر روی ماتریالیسم دیالکتیک قرار گرفته اند. چنانچه حزب سیاسی مارکسیستی مسایل خود را بر اساس دیالکتیک و ماتریالیسم بررسی نکند، نتیجه اش یکسونگری و ذهنی گری، جمود فکری، جدایی از زندگی و ناتوانی در تحلیل ضروری اشیاء و پدیده ها، اشتباههای رویزیونیستی و دگماتیستی و اشتباه در سیاست خواهد شد. کاربرد ماتریالیسم دیالکتیک در کار عملی و آموزش روح مارکسیسم - لنینیسم به کارگزاران حزب و توده های وسیع از وظایف مبرم احزاب کمونیست و کارگری است.

در مرحله فعلی، تشدید مبارزه علیه گرایشهای پورتونیستی



در جنبش کارگری و کمونیستی از اهمیت حیاتی برخوردار است .  
 گردهمایی بر ضرورت غلبه قاطع بر رویزیونیسم و دگماتیسم در  
 صفوف احزاب کمونیست و کارگری تاء کید می کند . امروزه  
 رویزیونیسم و دگماتیسم در جنبش طبقه کارگر و کمونیستی  
 همانند گذشته ، پدیده هایی بین المللی اند . دگماتیسم و  
 سکتاریسم ، مانع تکامل تئوری مارکسیسم - لنینیسم و کاربرد  
 خلاق آن در شرایط متحول می شود ، نقل قولها و تلمودیسم<sup>۱</sup> را  
 جانشین بررسی وضعیت مشخص می سازد ، و موجب جدایی حزب از  
 توده ها می گردد . حزبی که در لاک سکتاریسم فرورفته و تماس خود  
 را با توده ها از دست داده است نمی تواند برای آرمان طبقه  
 کارگر پیروزی به ارمغان آورد .

احزاب کمونیست ، ضمن محکوم کردن دگماتیسم ، معتقدند  
 که خطر اصلی در حال حاضر ، رویزیونیسم یا به عبارت دیگر ،  
 اپورتونیسم راست است که بعنوان جلوه ای از ایدئولوژی  
 بورژوایی ، توان انقلابی طبقه کارگر را تحلیل برده خواهان  
 حفظ یا احیاء کاپیتالیسم است . اما دگماتیسم و سکتاریسم  
 می تواند در مراحل مختلف تکامل این یا آن حزب نیز خطر اصلی  
 باشد . این برعهده هر حزب کمونیست است که تشخیص دهد در  
 یک مقطع زمانی ، کدام خطر آن را بیشتر تهدید می کند .

باید خاطر نشان ساخت که تسخیر قدرت توسط طبقه کارگر  
 تنها آغاز انقلاب است . نه پایان آن . طبقه کارگر پس از  
 تسخیر قدرت ، با وظایف خطیر مبارزه با زاسوسیالیستی

---

(۱) **Telmudism** سنت گرایی و عمل بر اساس نص قوانین و  
 احکام ، بدون توجه به انطباق آن با شرایط متحول جاری . این  
 واژه از اسم تلمود ، مجموعه احکام و قوانین الهی و اخبار و  
 احادیث دین یهود ، گرفته شده است . م

اقتصاد ملی و پی‌ریزی بنیاد اقتصادی و تکنیکی سوسیالیسم مواجه است. در عین حال، بوژوازی سرنگون شده همیشه در تلاش بازگشت است؛ نفوذ بورژوازی، خرده-بورژوازی و روشنفکران آنها بر جامعه، هنوز زیاد است. از اینروست که برای حل قطعی مسأله که بر که پیروز خواهد شد سرمایه داری یا سوسیالیسم-- زمانی نسبتاً " طولانی لازم است. وجود نفوذ بورژوازیی منشاء داخلی رویزیونیسم، بشمار می‌رود، حال آنکه تسلیم در مقابل فشار امپریالیسم، منشاء خارجی آنست.

رویزیونیسم جدید در پی آنست که آموزش‌های سترگ مارکسیسم لنینیسم را لوٹ کند، اعلام می‌نماید که مارکسیسم-لنینیسم " منسوخ " شده، و ادعا می‌کند که مارکسیسم-لنینیسم اهمیت خود را برای پیشرفت اجتماعی از دست داده است. رویزیونیست‌ها سعی می‌کنند روح انقلابی مارکسیسم را نابود کنند، ایمان به سوسیالیسم را در میان طبقه کارگر و زحمتکشان بطور کلی فرو بریزند. آنان ضرورت تاریخی یک انقلاب پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا در دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را انکار می‌کنند، منکر نقش رهبری حزب مارکسیست-لنینیستی هستند، اصول انترناسیونالیسم پرولتری را مردود می‌شمارند و خواهان رد اصول لنینی سازمان حزب، و بالاتر از همه، خواهان رد سانترالیسم دموکراتیک، بمنظور تبدیل حزب کمونیست از یک سازمان انقلابی رزمنده به نوعی انجمن بحث آزاد هستند.

تجربه جنبش کمونیستی بین‌المللی نشان می‌دهد که دفاع مصممانه احزاب کمونیست و کارگری از وحدت مارکسیست-لنینیستی صفوفشان، و ممانعت از دسته‌بندیها و گروه‌هایی که این وحدت را تضعیف می‌کند، لازمه حل موفقیت آمیز وظایف انقلاب سوسیالیستی، لازمه بنای سوسیالیسم و کمونیسم است. احزاب کمونیست و کارگری با وظایف عظیم تاریخی مواجه‌اند.

انجام این وظایف نه فقط وحدت فشرده تر احزاب کمونیست و کارگری بلکه وحدت فشرده تر کل طبقه کارگر را الزام آور می‌کند. تحکیم اتحاد طبقه کارگر و دهقانان را، گرد آمدن زحمتکشان، انسانهای مترقی و نیروهای آزا دیخواه و صلحدوست جهان را ضروری می‌سازد.

دفاع از صلح مهمترین وظیفه جهانی روز بشمار می‌رود. احزاب کمونیست و کارگری در همه کشورهای طرفدار اقدام مشترک در وسیع ترین مقیاس ممکنه با همه نیروهای دوستدار صلح و مخالف جنگ هستند. شرکت کنندگان در گردهمایی اعلام می‌دارند که از تلاشهای همه دولتها، احزاب، سازمانها، جنبشها و افرادی که از صلح دفاع و با جنگ مخالفت می‌کنند، که خواستار همزیستی مسالمت آمیز، خواستار امنیت جمعی در اروپا و آسیا، کاهش جنگ افزارها، منع استعمال و آزمایش سلاحهای اتمی هستند، پشتیبانی می‌کنند.

احزاب کمونیست و کارگری، مدافعان وفادار منافع ملی و دمکراتیک خلقهای همه کشورهای هستند. طبقه کارگر و خلقهای بسیاری از کشورهای هنوز با وظایف تاریخی مبارزه برای استقلال ملی، علیه تجا و زاستعماری و ستم فئودالی مواجه اند. آنچه در اینجا مورد نیاز است عبارت از یک جبهه متحد ضد امپریالیستی و ضد فئودالی متشکل از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی و دیگر نیروهای دمکرات میهن پرست است. واقعیات بیشماری نشان می‌دهد که هر چه اتحاد نیروهای مختلف میهن پرست و دمکرات قویتر و بیشتر باشد تضمین بیشتری برای پیروزی در مبارزه مشترک وجود دارد.

در حال حاضر لبه تیز مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم علیه خطر جنگ در راه منافع حیاتی شان متوجه گروههای بزرگ انحصار سرمایه است که مسؤل اصلی مسابقه تسلیحاتی، سازمانگرو الهام بخش طرحهای جنگی جدید، و پایگاه تجا و زارتجاع هستند.



منافع و سیاست مشتی انحصارات، بطور روزافزون، نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه با (منافع) دیگر بخشهای جامعه سرمایه داری، دهقانان، روشنفکران، خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط شهری، نیز در تضاد است. در آن دسته از کشورهای سرمایه داری که انحصارات آمریکایی درصد برقراری هژمونی خویش هستند و در کشورهای که از سیاست توسعه طلبی اقتصادی و نظامی ایالات متحد در رنج هستند شرایط عینی جهت اتحاد بخشهای وسیعی از مردم، تحت رهبری طبقه کارگر و احزاب انقلابی، برای نبرد در راه صلح، در دفاع از استقلال ملی و آزادیهای دمکراتیک، بخاطر ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان، برای انجام اصلاحات ارضی رادیکال و سرنگونی حاکمیت انحصارات که به منافع ملی خیانت می کنند، در حال پیدایش است.

تغییرات ژرف تاریخی و برهم خوردن قطعی توازن قوا بسود سوسیالیسم در عرصه بین المللی، و رشد قدرت جاذبه اندیشه های سوسیالیستی در میان طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و روشنفکران زحمتکش، شرایط مساعدتری برای پیروزی سوسیالیسم پدید آورده است:

اشکال گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در کشورهای مختلف ممکن است با هم تفاوت داشته باشند. طبقه کارگر و پیشاهنگ آن - حزب مارکسیست - لنینیست - در پی تحقق انقلاب سوسیالیستی از راههای مسالمت آمیز است. این با منافع طبقه کارگر و تمام خلق، با منافع ملی کشور انطباق دارد.

امروز در تعدادی از کشورهای سرمایه داری، اگر طبقه کارگر متحد باشد، جبهه خلق یا دیگر اشکال عملی توافق و همکاری میان احزاب و سازمانهای اجتماعی مختلف وجود داشته باشد،



طبقه‌ء کارگر فرصت آن را دارد که به رهبری حزب پیشاهنگ آن اکثریت مردم را متحد سازد، قدرت دولت را بدون جنگ داخلی بدست آورد و انتقال وسایل اساسی تولید را به مردم میسر کند. طبقه‌ء کارگر، با اتکاء به اکثریت مردم و با طرد قاطع عناصر اپورتونیست که قادر به ترک سیاست مصالحه با سرمایه داران و زمینداران نیستند، می‌تواند نیروهای ارتجاعی ضد خلقی را شکست دهد، اکثریت پایداری را در پارلمان تأمین کند، پارلمان را از آلت دست منافع طبقاتی بورژوازی به ابزاری برای خدمت به زحمتکشان تبدیل کند، مبارزه‌ای توده‌ای را در فراسوی پارلمان به راه اندازد، مقاومت نیزه‌های ارتجاعی را درهم شکنند و شرایط لازم برای تحقق مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی را فراهم آورد. همه اینها فقط از طریق تکامل پرداخته و بی‌وقفه مبارزه طبقاتی کارگران، توده‌های دهقانی و اقشار متوسط شهری علیه سرمایه‌انحصاری بزرگ، علیه ارتجاع، بخاطر اصلاحات عمیق اجتماعی، بخاطر صلح و سوسیالیسم امکان پذیر خواهد بود.

در صورتی که طبقات استثمارگر به قهر علیه مردم توسل جویند امکان گذار غیر مسالمت آمیز به سوسیالیسم را باید در نظر داشت. لنینیسم می‌آموزد، و تجربه تایید می‌کند که طبقات حاکم هیچگاه داوطلبانه از قدرت دست نمی‌کشند. در این صورت میزان حدت و اشکال مبارزه طبقاتی، بیش از آنکه به پرولتاریا بستگی داشته باشد، به مقاومت محافظ ارتجاعی در مقابل اراده اکثریت قریب به اتفاق مردم، به اعمال زور این محافظ در این یا آن مرحله از مبارزه برای سوسیالیسم بستگی دارد. امکان این یا آن راه بسوی سوسیالیسم، به شرایط مشخص هر کشور بستگی دارد.

احزاب کمونیست در نظر دارند که در مبارزه بخاطر شرایط بهتر

برای زحمتکشان، بخاطر حفظ و گسترش حقوق دمکراتیک آنان بخاطر کسب و ابقاء استقلال ملی و صلح در میان ملت‌ها و نیز در مبارزه برای کسب قدرت و بنای سوسیالیسم، با احزاب سوسیالیست همکاری کنند. اگرچه رهبران جناح‌های راست احزاب سوسیالیست منت‌های کوشش خویش را برای جلوگیری از این همکاری بعمل می‌آورند، در بسیاری مسایل، فرصت‌های فزاینده‌ای برای همکاری میان کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها وجود دارد. اختلافات ایدئولوژیک میان احزاب کمونیست و سوسیالیست نباید آنان را از برقراری وحدت عمل در بسیاری از مسایل مبرمی که جنبش طبقه کارگر با آن روبروست، بازدارد.

در کشورهای سوسیالیستی، که طبقه کارگر در قدرت است، احزاب کمونیست و کارگری، که امکان برقراری روابط نزدیک با توده‌های وسیع خلق را دارند، می‌باید همواره بر آنان (بر توده‌ها) تکیه کنند و بنای سوسیالیسم و دفاع از سوسیالیسم را بصورت آرمان میلیون‌ها مردمی در آرزو که خویش را صاحبان اصلی کشورشان می‌دانند. اقداماتی که در سال‌های اخیر توسط کشورهای سوسیالیستی جهت گسترش دموکراسی سوسیالیستی و تشویق انتقاد و انتقاد از خود بعمل آمده از اهمیت بسزایی برای افزایش فعالیت و ابتکار خلاق توده‌های وسیع و همبستگی آنان، برای تحکیم نظام سوسیالیستی و پیشبرد ساختار سوسیالیسم، برخوردار است.

برای تحقق بخشیدن به همبستگی واقعی طبقه کارگر، کلیه زحمتکشان و تمامی انسان‌های مترقی و نیروهای صلح‌دوست و آزادیخواه جهان، ضروریست که بیش از هر چیز وحدت احزاب کمونیست و کارگری ارتقاء یابد، و همبستگی میان احزاب کمونیست و کارگری همه کشورهای تحکیم‌گردد. این همبستگی محور همبستگی با زهم‌عظیم‌تر، و ضامن اصلی پیروزی آرمان

طبقه کارگراست .

احزاب کمونیست و کارگری با توجه به سرنوشت نظام جهانی سوسیالیستی و جنبش بین المللی کمونیستی، مسوولیت پراهمیت ویژه ای برعهده دارند . احزاب کمونیست و کارگری حاضر در گردهمایی اعلام می دارند که وحدت و همکاری رفیقانه خود را بمنظور تحکیم بیشتر دولت های مشترک المنافع و به نفع جنب بین المللی طبقه کارگر، به نفع صلح و سوسیالیسم، بطور ستگی ناپذیر ارتقاء خواهند داد .

گردهمایی اخرسندی متذکر می شود که جنبش بین المللی کمونیستی رشد یافته است ، در برابر آزمون های خطیر بیشتری ایستادگی نموده است ، و به پیروزی هایی بزرگ نایل شده است . کمونیست ها با اعمال خویش ، نیروی زنده تئوری مارکسیسم - لنینیسم را در مقیاس جهانی برای زحمتکشان به اثبات رسانده اند و توانایی خود را نه تنها در اشاعه آرمان های ستیگ سوسیالیسم بلکه در تحقق آنها تحت شرایط بسیار دشوار نیز ثابت کرده اند . جنبش کمونیستی، همانند تمامی جنبش های مترقی در تاریخ بشر، ناگزیر به مقابله با مشکلات است ، و راه آن مسیری مستقیم نخواهد بود . اما ، همچون گذشته ، مشکلات یا موانع نه اکنون و نه در آینده نخواهد توانست قوانین عینی ناظر بر پیشرفت تاریخی را تغییر دهد یا عزم راسخ طبقه کارگر برای دگرگون سازی دنیای کهنه و خلق دنیایی نوین متزلزل کند . کمونیستها از زمانی که مبارزه خود را آغاز کرده اند ، مورد تعقیب و آزار نیروهای ارتجاعی بوده اند ؛ اما جنبش کمونیستی همه حملات راقهرمانانه دفع می کند و نیرومندتر و آبدیده تر آزمونها را پشت سر می گذارد . کمونیستها از طریق تحکیم بیشتر وحدت خویش با تلاش های نیروهای امپریالیستی مرتجع برای بازداشتن جامعه از پیشروی به سوی عصری نوین ، مقابله می کنند .



برخلاف ادعاهای پوچ امپریالیسم دربارهٔ اصطلاح بحران کمونیسم، جنبش کمونیستی در حال رشد و قدرت یابی است. تصمیمات تاریخی کنگرهٔ بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی نه فقط برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و ساختمان کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارای اهمیت عظیمی است بلکه مرحلهٔ جدیدی در جنبش جهانی کمونیستی گشوده و تکامل بیشتر آن را در راستای مارکسیسم-لنینیسم تسهیل کرده است. نتایج کنگره‌های احزاب کمونیست چین، فرانسه، ایثالیان و دیگر کشورها در ایام اخیر، وحدت و همبستگی صفوف حزب و وفاداریشان به اصول انترناسیونالیسم پرولتری را به وضوح نشان داده است. این کردهمایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری، گواه دیگری بر همبستگی بین المللی جنبش کمونیستی است. شرکت کنندگان در کردهمایی، پس از تبادل نظر، به این نتیجه رسیدند که در شرایط حاضر مقتضی است، علاوه بر ملاقاتهای دوجانبهٔ رهبران کارگری و تبادل اطلاعات، بر حسب نیاز، کنفرانس‌های بیشتری از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری برای بحث پیرامون مسایل جاری، مشارکت در تجربیات همدیگر، بررسی نظرات و تلقیات یکدیگر و اقدام هماهنگ در مبارزهٔ مشترک برای اهداف مشترک - صلح، دموکراسی و سوسیالیسم - برپا گردد.

شرکت کنندگان در کردهمایی متفقاً "اطمینان راسخ خود را ابراز می‌دارند که احزاب کمونیست و کارگری از طریق فشرده کردن صفوف خود، و بدینوسیله متحد کردن طبقهٔ کارگر و خلقهای کلیهٔ کشورها، بدون شک بر تمامی موانعی که بر سر راه "حرکت به پیش" آنان وجود دارد فائق خواهند آمد و پیروزیهای بزرگ و بیشتر آن را صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، را در مقیاس جهانی تسریع خواهند کرد.



## بیانیه صلح

حضور هیات های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری در مسکو برای شرکت در مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، فرصتی فراهم آورد تا این هیات ها در دیداری دوستانه به بررسی مسایل مورد علاقه فیما بین بپردازند. در این گردهم آیی، که از ۱۶ تا ۱۹ نوامبر در مسکو برگزار شد، نمایندگان احزاب زیر شرکت داشتند:

حزب کارآلبانی، احزاب کمونیست الجزایر، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بولیوی، برزیل، بلغارستان، حزب ترقیخواه کارکانادا، احزاب کمونیست سیلان، شیلی، چین، کلمبیا، حزب کارکره، حزب پیشرو توده ای کستاریکا، حزب سوسیالیست خلق کوبا، حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست توده ای جمهوری دومینیکن، احزاب کمونیست اسپانیا، اکوادور، فنلاند، فرانسه، بریتانیا، یونان، گواتمالا، هندوراس، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، احزاب کمونیست هند، اندونزی، عراق، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، اردن، لوگزامبورگ، مالزی، مراکش، مکزیک، حزب انقلابی توده ای مغولستان، احزاب کمونیست نروژ، زلاندنو، حزب توده ای پاناما، احزاب کمونیست پاراگوئه، هلند، پرو، حزب کارگر لهستان، احزاب کمونیست پرتغال، آلمان، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کاررومانی، حزب کمونیست سان مارینو، حزب کارسوئیس، احزاب

کمونیست سوئد، سوریه، لبنان، تایلند، چکسلواکی، تونس  
ترکیه، اتحاد شوروی، اوروگوئه، ونزوئلا، حزب کارگران  
ویتنام و اتحادیه کمونیست های یوگسلاوی.

شرکت کنندگان در گردهم آیی به تبادل نظر پیرامون  
مسایل مربوط به وضع کنونی جهان پرداختند و در پایان،  
نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری بیانیهای درباره  
صلح خطاب به کارگران و دهقانان تمامی کشورها و مردان، زنان  
و انسانهای شرافتمند سراسر جهان انتشار دادند که متن آن  
در زیر خواهد آمد.

گردهم آیی نمایندگان احزاب کمونیست در محیطی سرشار  
از همکاری و تفاهت برگزار شد و این خود بیانگر علائق مشترک احزاب  
برادر است که حول ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و اصول  
انترناسیونالیسم پرولتری متحد شده اند.

کارگران و دهقانان! خادمان علوم، فنون و فرهنگ!  
انسانهای شرافتمند سراسر جهان!

ما، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای  
گوناگون، که برای بزرگداشت چهلمین سالگرد انقلاب کبیر  
بوسیا لیستی اکتبر در مسکو گرد آمده ایم، شما و منطق شما را به  
یاری می طلبیم.

هنوز خاطره ددمنشیها و ویرانگری های جنگ دوم جهانی از  
یادها نرفته و آثارشوم آن کاملاً محو نگشته که شبح دهشتناک  
جنگ دیگری بر فراز شهرها و روستاهای صلح طلب بال می گسترد،  
جنگی که در صورت وقوع صدها بار ویرانگرتر از جنگ های پیشین  
خواهد بود. هیچ کشوری در جهان یافت نمی شود که بیم وقوع  
جنگی تازه آرامش مردمانش را برهم نزده و شادی زندگیشان را  
به اندوه بدل نساخته باشد؛ و این مردمان بانگرانی از خود

می پرسند: فردا، یکماه یا یکسال دیگر چه پیش خواهد آمد؟ آیا امکان دارد که دوباره شعله های جنگ، کاشانه هایمان را در کام خود فروبرد و بمب های اتمی و هسته ای مرگی ناگهانی برای ما و فرزندمان به ارمغان آورد؟

ملت ما تا کنون تجربه تلخ دو جنگ جهانی را پشت سر گذاشته اند و مردم عادی: که در جریان نبردهای مسلحانه، بیشترین رنج ها را متحمل می شوند؛ بخوبی می دانند که هر پیکار تازه، فجایعی هولناکتر، ویرانی های بیشتر و کشتارهای گسترده تری ببار می آورد و آثاری آنچنان دهشتناک از خود بجای می گذارد که محوشان به آسانی ممکن نیست.

نخستین جنگ جهانی؛ که به تحریک قدرت های بزرگ امپریالیستی و ازسوی میلیتاریسم آلمان آغاز شد، زندگی ۱۰ میلیون انسان را بباد فنا داد، دهها میلیون معلول و ناقص العضو بجای گذاشت و خلق هایی را یکسره به چنگال فقر و محرومیت در انداخت. دومین جنگ جهانی؛ که فاشیسم آلمان مسبب اصلی آن بود؛ نه تنها جبهه ها و ارتش های بیشماری را به ورطه نابودی می کشاند، بلکه با بمباران شهرهای بی دفاع و ویران کردن آنها، صدها هزار شهروند صلح طلب را به کام مرگ فرستاد؛ میلیون ها زن و مرد و کودک در اسارتگاهها اتاق های گاز و اردوگاه های مرگ هیتلر، میلیونها مرد، زن و کودک قربانی شدند و سرانجام در پایان ویرانی و کشتار، منابع مادی بینهایت غنی؛ که برای ساختن هزاران شهر پیشرفته و تغذیه و پوشاک تمامی مردم کشورهای گوناگون کافی بود؛ ضایع و تباه گشت. جنگ دوم جهانی به بهای زندگی بیش از سی میلیون انسان و مجروح و معلول شدن میلیونها تن پایان گرفت و در آخرین روزهای آن نخستین بمب های اتمی بر فراز شهرهای بی دفاع ژاپن فروریخته شد



و تصویری دهشتناک از کشتارهای آئینده را ترسیم کرد. ابعاد ویرانی های جنگ سوم - در صورتی که خلقها بگذارند آغاز شود - بسیار گسترده تر از آنچه خواهد بود که تا کنون بشریت به خود دیده است و برای اثبات این موضوع هیچ نیازی به نبوغ دانشمندان یا خیال پردازی های شاعران نیست. ساکنان اروپا، آمریکا، آسیا، آفریقا و استرالیا بخوبی میدانند که انسان در آزاد ساختن نیروهای طبیعت به چنان پیشرفت های شگرفی دست یافته و سلاح هایی آنچنان مخرب بوجود آورده که قادر است هر نقطه ای از جهان را به ویرانی و نابودی کشد. اگر جنگ دوباره سرگیرد، انسان هیچ مکانی را بر روی زمین نمی یابد که بتواند آنجا پناه برده و خود را در امنیت احساس کند زیرا شعله های جنگ اتمی و هسته ای و جنگ موشکی، تمامی کشورها و خلقها را در بر خواهد گرفت و فجایعی بی شمار برای نسل های بی شمار ببار خواهد آورد.

مردم عادی سراسر جهان، قطع نظر از ملیت و عقاید سیاسی، اعتقادات و رنگ پوستشان، می خواهند در صلح زندگی کنند و می پرسند: آیا انسان هوشمندی که بر تمامی رازهای طبیعت دست یافته و روبه روز بر آن چیره ترمی شود، آیا این انسان، که در پی پرتاب سفینه های فضایی شوروی، قادر خواهد بود تا در آتیه نزدیک به سیارات دست یابد، نمی تواند از جنگ جلوگیری و نگذارد که بشریت گورکن خود شود؟

ما، نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری با آگاهی کامل به مسئولیت خویش در قبال سرنوشت خلقها، اعلام می داریم:

"جنگ تقدیر ناگزیر انسانها نیست، می توان از وقوع آن جلوگیری و می توان در دفاع از صلح و تحکیم آن کوشید".



امروز ما در پایتخت کشوری گرد آمده ایم که، چهل سال پیش فصلی تازه در تاریخ بشریت گشود. در سال ۱۹۱۷، نخستین انقلاب سوسیالیستی در سرزمین روسیه به پیروزی رسید، کارگران قدرت را بدست گرفتند و نابودی تمام نیروهای سرکوبگر و محو استثمار انسان از انسان را هدف خویش قرار دادند. کارگران و دهقانان روسیه، تحت رهبری حزب لنین، شعار برپرچمشان رقم زدند و همواره به این شعار وفادار ماندند. کشورشوراها، در چهل سالی که از عمرش می گذرد، تمام مایه‌های خلق را به راه صلح هدایت نموده و به رغم موانع متعددی که امپریالیست‌ها در برابرش بوجود آورده‌اند، همواره خواستار همکاری صلح آمیز با دیگر کشورها، صرف نظر از نظام اجتماعی حاکم بر آنها، بوده است.

کارگران کشورهای سرمایه داری نیز، به اقتضای منافع حیاتی خود، فعالانه به مبارزه برای استقرار صلح پیوسته‌اند و تمامی انسان‌های ترقیخواه جهان به حمایت از این آرمان شرافتمندانه برخاسته‌اند. با این همه نیروهای صلح طلب نتوانستند بشریت را از فاجعه جنگ دوم جهانی نجات دهند زیرا در آن هنگام شمار نیروهای جنگ طلب بسیار زیاد و اتحاد شوروی تنها کشوری بود که مبارزه‌ای سازمان یافته را در راه استقرار صلح به پیش می برد.

اما به اعتقاد ما کمونیست‌ها، امروز پیشگیری از جنگ و دفاع از صلح امکان پذیر است. ما به این موضوع ایمان راسخ داریم زیرا، اکنون، وضعیت جهان و رابطه نیروها کاملاً دگرگون شده است. امروز کشورشوراها، این ثمره انقلاب سوسیالیستی اکتبر، دیگر در انزوای سر نمی برد. ما پس از پیروزی برفاشیسم، شاهد پیدایش جهانی سوسیالیستی بوده ایم که حدود یک میلیارد نفر را در بر می گیرد. امروز اتحاد

شوروی در مبارزه برای استقرار صلح و همکاری جهانی، در مبارزه برای همزیستی مسالمت آمیز نظام‌های اجتماعی گوناگون، دوش بدوش قدرت سوسیالیستی بزرگ دیگر، یعنی چین توده‌ای، گام برمی‌دارد و مکرر آسای‌های توده‌ای اروپا و آسیا نیز در راه همان هدف، یعنی استقرار صلح، مبارزه می‌کنند. اکنون توسعه شگرف صنایع، علوم و فنون در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، و خدمت پیشبرد آرمان صلح قرار دارد و مانعی جدی در برابر آغاز جنگ بشمار می‌رود. علاوه بر همه اینها، امروز ما شاهد شکل‌گیری قدرت دیگری در جهان هستیم زیرا بیداری خلق‌های مستعمرات در پی انقلاب اکتبر، سبب‌رهایی آنان از یوغ وابستگی‌های چند صد ساله گردید و هم‌اکنون نیز بسیاری از آنان در راه‌رهایی گام برمی‌دارند، این‌خلق‌ها، که خواهان زندگی در صلح و آرامش و مخالف مداخله قدرت‌های امپریالیستی در امور داخلی خود هستند، برای پایان بخشیدن به فقر و عقب‌ماندگی کشورهایشان، سیاستی صلح‌آمیز و بی‌طرفانه در پیش گرفته‌اند، سیاستی که بر "اصل" مشهور: احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، مساوات بر مبنای منافع متقابل و همزیستی مسالمت آمیز، استوار است. علاوه بر خلق‌های کشورهای سوسیالیستی و شرق، خلق‌های کشورهای سرمایه‌داری غرب نیز، که از دو جنگ رنج برده‌اند، خواهان جنگ نبوده و عمیقاً از آن متنفرند.

اکنون نیروهای صلح‌طلب از چنان کمیتی برخوردارند که می‌توانند سد راه جنگ شده، از صلح پاسداری کنند. با اینهمه ما، کمونیست‌ها، با زهم وظیفه خود می‌دانیم به تمامی انسان‌ها هشدار دهیم که خطر آغاز جنگی هولناک و خانمانسوز هنوز بر طرف نشده است. در پاسخ این سوال که چه چیز صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند باید گفت انحصارات سرمایه‌داری، که در جریان دو جنگ،



از مسابقه تسلیحاتی کنونی، ثروت‌های افسانه‌ای بجیب‌زده‌اند، در رویای آغا جنگی دیگر بر سر می‌برند و این جنگ را در خدمت تأمین منافع خود می‌دانند. اما مخارج کمر شکن مسابقات تسلیحاتی، که سودهای کلان آن بجیب انحصار ات برآزیر می‌شود، روز به روز بیشتر کارگران را خمیده تر ساخته و وضع اقتصادی کشورهای را دچار بحران‌های جدی می‌سازند و در چنین شرایطی، محافظ رهبری کشورهای امپریالیستی، زیر فشار انحصار ات سرمایه‌داری، بویژه انحصار ات امریکائی، از پذیرفتن پیشنهادهای کشورهای صلح‌طلب مبنی بر خلع سلاح، منع استعمال سلاح‌های هسته‌ای و سایر پیشنهادهای که بمنظور از میان بردن خطر وقوع جنگ ارائه می‌شود، سرباز می‌زنند. کشورهای صلح‌طلب پیشنهادهای مشخص فراوانی به سازمان ملل ارائه داده‌اند که پذیرش آنها به تحکیم صلح و کاهش خطر بروز جنگ خواهد انجامید. هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که پذیرش پیشنهادهای مبنی بر قطع مسابقه تسلیحاتی، از میان بردن خطر جنگ اتمی، همزیستی مسالمت آمیز دولت‌ها و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان آنها، که عا ملی تعیین کننده برای ایجاد اعتماد لازم در روابط میان دولت‌هاست، بسودتعمای خلق‌ها تمام خواهد شد. سرنوشت جهان و نسل‌های آینده بستگی فراوان به حل این مسائل دارد. ما پیشنهادهای کشورهای صلح‌طلب تاکنون با مقاومت سرسختانه کسانی که حفظ منافعشان را در گرو ادامه تنش‌های جهانی می‌بینند، روبرو شده‌است.

ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ایثالیای و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، هزاران روزنامه و وسائل ارتباط جمعی بطور مداوم به گوش مردم می‌خوانند که "کمونیسم جهانی" آزادی، شیوه زندگی و آرامش آنها را تهدید می‌کند حال آنکه هیچ کشور کمونیستی و سوسیالیستی از آغا جنگ یا از حمله به کشورهای دیگر و فتح سرزمین‌های دیگران، نفعی عایدش نمی‌شود. اتحاد شوروی و چین

توده‌ای، خودداری زمین‌های وسیع و منابع طبیعی بسیار غنی هستند و در کشورهای سوسیالیستی، طبقه یا قشری وجود ندارد که به جنگ علاقه مند باشد. کارگران و دهقانان این کشورها، که قدرت را در دست دارند، در تمام جنگ‌ها بیشترین قربانیان را داده‌اند. پس چگونه می‌توانند خواهان راه افتادن قصابی تا زه‌ای باشند؟ هدف کمونیست‌ها ساختن جامعه‌ای است که بتواند رفاه عمومی، سعادت تمام می‌خلق‌ها و صلح ابدی میان ملت‌ها را تضمین کند و کمونیست‌ها برای ساختن چنین جامعه‌ای، نیاز به صلح‌پایدار و استوار دارند. از همین روست که کمونیست‌ها آشتی‌ناپذیرترین جنگ و سرسخت‌ترین قهرمانان صلح‌شمار می‌آیند! کشورهای سوسیالیستی مایل نیستند که با یکا ربردن زور، نظام اجتماعی و سیاسی خود را به خلق‌ها تحمیل کنند. آنان عمیقاً به اجتناب از پذیر بودن پیروزی سوسیالیسم ایمان دارند اما این را نیز می‌دانند که سوسیالیسم را نمی‌توان صادر کرد، و میدانند که استقرار سوسیالیسم در کشورهای گوناگون، پیش از هر چیز، دستاورد مبارزه طبقاتی کارگران و تمام نیروهای ترقیخواه آن کشورهاست. از سوی دیگر، کشورهای سوسیالیستی خواهان مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر نیستند اما مداخله این کشورها در امور داخلی خود را نیز نخواهند پذیرفت. پس مشخص می‌شود که اشاعه ادعاهایی از این دست که کشورهای سوسیالیستی تهدیدی برای صلح جهانی بشمار می‌آیند زیرا می‌خواهند نظام اجتماعی خود را به زور به دیگران تحمیل کنند، تنها کوششی است در جهت فریب مردم صلح‌طلب.

امروز تنها شرط پاسداری از صلح، اتحاد همه نیروهای صلح‌دوست و هشیاری روزافزون آنان در برابر توطئه‌های جنگ‌افروزان است، این نیروها باید عمیقاً درک کنند که وظیفه مقدس آنان، در شرایطی که صلح جهانی دائماً در معرض تهدید قرار دارد عبارتست از تشدید مبارزه برای استقرار صلح.



ما، با آرزوی رفاه و پیشرفت خلق‌های سراسر جهان و آینده‌ای  
بهبتر برای بشریت، شما را مخاطب قرار می‌دهیم، شما:

مردان و زنان،

کارگران و دهقانان،

پژوهشگران و هنرمندان،

آموزگاران و کارمندان،

جوانان،

پیشه‌وران، بازرگانان و صنعتگران،

سوسیالیست‌ها، دمکرات‌ها و آزادی‌خواهان،

شما، انسان‌هایی که به افق‌های سیاسی و مذهبی گوناگون

تعلق دارید،

شما، میهن پرستان،

و کسانی که خواهان جنگ نیستند،

شما، انسان‌های شرافتمند سراسر جهان،

ما شما را به طرح خواسته‌های زیر فرا می‌خوانیم:

قطع مسابقه تسلیحاتی، که هر روز خطر جنگ را افزایش می‌دهد

و زیان آن بیش از همه متوجه شما، مردان کار و کوشش است،

منع تولید و کاربرد سلاح‌های اتمی و هسته‌ای و بویژه قطع فوری

آزمایش این سلاح‌ها،

پایان دادن به سیاست تشکیل بلوک‌ها و پیمان‌های نظامی

در سرزمین‌های دیگران،

دست‌کشیدن از تجهیزات نظامی مجدد میلیتاریسم آلمان،

این مسئول اصلی جنگ دوم جهانی، در قلب اروپا،

پایان بخشیدن به تحریکات و توطئه‌های جنگ افروزان در

خاورمیانه،

ما شما را به حمایت از سیاست امنیت مشترک، همزیستی مسالمت

آمیز نظام‌های اجتماعی گوناگون و سیاست همکاری‌های اقتصادی

و فرهنگی گسترده میان خلقها، فرامی‌خوانیم. از حکومت‌های تان  
بخواهید در سازمان ملل متحد سیاستی صلح‌آمیز در پیش گرفته  
و در برابر جنگ سرد پایداری کنند،

روی سخن ما با همه انسانهای شرافتمند جهان است:

۱- قطع فوری آزمایش‌های اتمی و هسته‌ای،

۲- منع مطلق تولید و کاربرد سلاح‌های اتمی و هسته‌ای،

مبارزه کنید.

ما کمونیستها زندگیمان را وقف مبارزه در راه آرمان  
سوسیالیسم کرده‌ایم و به پیروزی این آرمان بزرگ اعتقاد  
تزلزل‌ناپذیر داریم. و دقیقاً "بدلیل ایمان به پیروزی  
اندیشه‌هایمان، اندیشه‌های مارکس و لنین و انترناسیونالیسم  
پرولتری، خواهان صلح هستیم و در راه استقرار آن مبارزه  
می‌کنیم. ما جنگ را دشمن خود می‌دانیم.

باشد که از این پس کشورها و نظام‌های اجتماعی گوناگون تنها  
برای توسعه علوم و فنون و به خدمت گرفتن آنها برای استقرار  
صلح، به رقابت برخیزند؛ باشد که از این پس کشورها برتری  
خود را، نه در میدان‌های رزم، که در رقابت برای پیشرفت و  
بالا بردن سطح زندگی خلقهایشان به اثبات رسانند.

مادستانمان را بسوی تمامی انسانهای شرافتمند دراز  
می‌کنیم. بیایید، برای رهایی از قید اسارت سلاح‌هایی که بار  
سنگینشان بدوش خلقهاست، تلاش‌هایمان را یکی‌کنیم. بیایید  
جهان را از خطر جنگ، مرگ و ویرانی نجات بخشیم.

بدینسان، بشریت همچنانکه بسوی پیشرفت و ترقی گام  
برمی‌دارد، چشم‌انداز آینده‌ای روشن و سعادت‌مند را پیش‌روی  
خود خواهد دید.

**برقرار باد صلح جهانی!**



از انتشارات :  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ( اکثریت )  
قیمت ۲۵ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان